

ملاقات با شیطان

سرمقاله | صفحه ۲



ملاقات با شیطان

سرمقاله



ماجرای دیدار جنجالی چند روز پیش رؤسای جمهور اوکراین و آمریکا در کاخ سفید، به یکی از پُربحث‌ترین موضوعات سیاسی در دنیا تبدیل شده است، به طوری که کشورهای مختلفی از منظرهای گوناگون به این قضیه نگاه کرده و آن را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهند. از آنجا که آمریکا به عنوان دشمن شماره یک جمهوری اسلامی مطرح است و رابطه‌ی ایران و آمریکا در طرّ چند دهه‌ی اخیر مورد توجه تحلیلگران و افکار عمومی داخل کشور بوده، نگاه ایرانی به این ماجرا نه تنها خالی از لطف نیست، بلکه ضروری به نظر می‌رسد. البته قبل از آنکه وارد بررسی ماجرا شویم، مروری اجمالی بر آنچه در کاخ سفید گذشت و پیش‌زمینه‌ها و تبعات آن در تحلیل قضیه نیز مفید به نظر می‌رسد.

تحقیر مقابل دوربین‌ها

روز جمعه دهم اسفند ماه، زلنسکی، رئیس جمهور اوکراین، وارد کاخ سفید شد تا ضمن دیدار با ترامپ، دو طرف بر سر واگذاری مواد معدنی کمیاب اوکراین به آمریکا توافقنامه‌ای را امضا کنند؛ توافقی که به شکل انحصاری و ویژه، اجازه‌ی استفاده از معادن و مواد معدنی بسیار ارزشمند اوکراین را به آمریکا می‌داد و صدها میلیارد دلار سود برای این کشور به همراه داشت.

ترامپ، پیش از دیدار با زلنسکی، خطاب به خبرنگاران حاضر در کاخ سفید از رئیس جمهور اوکراین تعریف و تمجید کرد. البته این تعریف‌ها در حالی بود که او چندی پیش، زلنسکی را فردی «دیکتاتور» نامیده بود!

دیدار ترامپ و زلنسکی با حضور برخی از مقامات دو کشور و جمع قابل توجهی از رسانه‌ها برگزار شد و تصاویر آن به صورت زنده از شبکه‌های تلویزیونی پخش می‌شد. دیدار تا جایی خوب و مسالمت‌آمیز پیش می‌رفت اما ناگهان تغییر جهت داد و به طوفانی تمام عیار مبدل شد. چرخش از جایی شروع شد که زلنسکی ترامپ را به همسویی و طرف‌داری از پوتین متهم کرد و در ادامه گفت که امضای قرارداد واگذاری مواد معدنی برای اوکراین کافی نیست و این کشور نیاز به تضمین‌های امنیتی آمریکا دارد. در مقابل، ترامپ و جی‌دی ونس، معاون رئیس جمهور آمریکا، به شدت به زلنسکی تاختند و بالحنی کاملاً تحقیرآمیز با وی برخورد کردند و در مواقعی حتی اجازه‌ی صحبت کردن نیز به او ندادند؛ همچنین، زلنسکی از سوی آن‌ها به اهانت به دولت آمریکا و عدم قدرتی از حمایت‌های این کشور در طرّ سه سال جنگ با روسیه متهم شد. در نهایت، دیدار با حالتی تنش‌آلود و شاید بتوان گفت نیمه‌کاره پایان یافت، کنفرانس خبری مشترک دو رئیس جمهور که برای پس از دیدار برنامه‌ریزی شده بود لغو شد و قراردادی نیز امضا نشد. خبرهای بعدی هم حاکی از آن بود که ترامپ دستور داده است تا زلنسکی را از کاخ سفید بیرون کنند.

تشکر صمیمانه هم افاقه نکرد

در حالی که طرف آمریکایی خواهان عذرخواهی علنی زلنسکی شده، وی تا کنون از چنین کاری سر باز زده و فعلاً به تشکر مکرر از آمریکا در مصاحبه‌ها و پست‌های شبکه‌های اجتماعی خود بسنده کرده است. حتی پارلمان اوکراین نیز در پیامی به زبان انگلیسی از آمریکا و شخص ترامپ صمیمانه قدرانی کرد تا بلکه بتواند دل کاخ سفید را به دست آورند، اما این اقدامات نیز حداقل تا کنون مؤثر واقع نشده است. برخی منابع نزدیک به دولت آمریکا از لزوم برکناری زلنسکی گفته‌اند و وساطت‌های غیررسمی طرف‌های اروپایی نیز تا کنون کارساز نبوده است. چهار روز پس از این دیدار پُرماجرا هم آمریکا اعلام کرد کمک تسلیحاتی به اوکراین را متوقف می‌کند و به این ترتیب، تنش وارد سطح تازه‌ای شد.

مُهر تأیید بر مضر بودن مذاکره با آمریکا

اما این ماجرا برای جمهوری اسلامی ایران، دولت‌مردان و مردم ما چه درس‌هایی در بر دارد؟ اولین نکته‌ای که در این قضیه مهم است و باید به آن توجه کرد، این است که ماجرای اخیر میان آمریکا و اوکراین به وضوح نشان می‌دهد که دل بستن به مذاکره با آمریکا برای حلّ مشکلات کشور، سرابی بیش نیست. آمریکایی‌ها با متحدین خود. چه اوکراین و چه کشورهای اروپایی. چنین برخورد می‌کند، آیا گامی برای حلّ مشکلات ایران برمی‌دارد؟ رهبر انقلاب، حدود یک ماه پیش، درباره‌ی مذاکره با آمریکا و اثر آن بر حلّ مشکلات کشور فرمودند: «مذاکره‌ی با آمریکا هیچ تأثیری در رفع مشکلات کشور ندارد؛ این را باید ما درست بفهمیم. این جور به ما وانمود نکنند که اگر نشستیم پشت میز مذاکره با آن دولت، فلان مشکل یا فلان مشکل حل می‌شود؛ خیر، از مذاکره‌ی با آمریکا هیچ مشکلی حل نمی‌شود. دلیل: تجربه.»

۱۴۰۳/۱۱/۱۹

غرب‌گرایان و رسانه‌های معاند، مثل همیشه، این موضع‌گیری رهبری را مورد حمله قرار دادند و طوری وانمود کردند که آمریکا آمادگی مذاکره و رفع تحریم‌ها است و این ایران است که از مذاکره سر باز می‌زند! در حالی که ماجرای دیدار کاخ سفید آشکارا نشان داد با چه آمریکایی‌هایی مواجهیم و مقصود آمریکا از «مذاکره» چیست. آمریکا، در مذاکره و قرارداد با اوکراین، فقط به دنبال گرفتن امتیاز بود و از دادن تضمین امنیتی به این کشور خودداری کرد؛ این در حالی است که آمریکایی‌ها خود به خوبی می‌دانند آن‌ها بودند که با سیاست‌های توسعه‌طلبانه و ضدّ روسی خود، اوکراین را قربانی و درگیر چنین جنگ مهلکی کردند. در مذاکره با ایران نیز وضعیت قطعاً بدتر از این خواهد بود؛ آمریکایی‌ها امتیازات نقد می‌خواهند و در بهترین حالت، در برابر آن، مشتی وعده‌ی نسبه خواهند داد؛ یعنی همان اتّفاقی که در برجام رخ داد و عاقبت آن را دیدیم.

عاقبت اتّکاء به بیگانه

عبرت دیگر این ماجرا آن است که عاقبت اتّکاء به بیگانه در هر میدانی، در نهایت، چیزی جز تحقیر و متضرّر شدن نیست. آمریکایی‌ها رسماً و علناً به زلنسکی گفتند بدون حمایت ما کشور تو دو هفته نیز دوام نمی‌آورد.

ایران نیز، در تاریخ معاصر خود، چنین وضعیتی سخت و تحقیرآمیزی را تجربه کرده است. در جریان جنگ جهانی دوم و هجوم متفقین به ایران، ارتش ایران تقریباً هیچ مقاومتی از خود نشان نداد و حکومت وابسته‌ی رضاخان، پس از سه روز، اعلام تسلیم کرد و آن همه اذّعا و تجمل، در چشم برهم زدن از هم فروپاشید.

سه سال پیش، در همین روزها، رهبر انقلاب در این مورد فرموده بودند: «پشتیبانی قدرتهای غربی از کشورها و دولتهای که دست‌نشانده‌ی آنها هستند، یک سراب است، واقعیت ندارد؛ این راه‌همی دولتها بدانند. آن دولتهایی که پشت‌گرمی‌شان به آمریکا و به اروپا است، بینند وضع امروز اوکراین و دیروز افغانستان را. هم رئیس جمهور اوکراین همین چند روز پیش گفت، هم رئیس جمهور فراری افغانستان چندی قبل گفت؛ گفت ما اعتماد کردیم به آمریکا، اعتماد کردیم به دولتهای غربی، [ولی] ما را تنها گذاشتند. به اینها نمی‌شود اعتماد کرد... آن کسانی که متکی به آمریکا هستند، از این عبرت درس بگیرند و این را بفهمند.» (۱۴۰۰/۱۲/۱۰)

اگرچه غربی‌ها در این چند سال سعی کرده‌اند با تبلیغات و هیاهو از زلنسکی قهرمان بسازند، اما در واقعیت، او کشور خود را به کشوری وابسته تبدیل کرد که حتی برای استفاده از تجهیزات و تسلیحاتی که در این جنگ در اختیارش گذاشته‌اند نیز مجبور به گرفتن مجوز از دیگران است و عملاً از خود هیچ اختیاری ندارد و اکنون نیز به هر دری می‌زند تا بار دیگر به کاخ سفید برگردد و با همتای آمریکایی خود تجدید دیدار کند. «برای یک ملت، خفتی بالاتر از وابستگی نیست. در حق یک ملت از سوی مستولان، جنایتی سنگین‌تر از وابسته کردن آن ملت نیست.» (۱۳۷۵/۱۲/۲۸)

مردم؛ پایه‌ی قدرت

درس دیگر ماجرای اوکراین لزوم اتّکاء به مردم است. کشوری که در مقاطع حساس و خطیر از پشتیبانی واقعی و گسترده‌ی مردمی برخوردار نباشد، به ناچار مجبور است در مقابل بیگانگان سر خم کند و آن‌گونه تحقیر شود. وقتی که رژیم صدام در پایان شهریور سال ۱۳۵۹ به ایران یورش برد و جنگ را رسماً آغاز کرد، تصوّر همگان بر این بود که این جنگ، در نهایت، چند هفته طول می‌کشد و با پیروزی مهاجم به پایان می‌رسد. این تصوّر، روی کاغذ چندان هم دور از واقعیت نبود؛ رژیم صدام در اوج آمادگی و حمایت همه‌جانبه‌ی مالی و تسلیحاتی ده‌ها کشور دنیا بود و در مقابل، ایران که به تازگی انقلاب کرده بود، در وضعیتی شکننده و خاص به سر می‌برد.

عاملی که این معادله‌ی نابرابر را به هم زد و باعث ناکامی متجاوز و حامیان جهانی آن شد، پشتیبانی مردمی بود. مردم با حضور فداکارانه و داوطلبانه‌ی خود در دفاع از کشور، نتیجه‌ی محتوم جنگ را تغییر دادند و اجازه ندادند حتی یک وجب از خاک ایران اشغال شود؛ موضوعی که رهبر انقلاب نیز در ابتدای جنگ روسیه و اوکراین به

واقعیت‌های صحنه‌ی جهانی است. کشوری که ضعیف باشد فقط از دُور رقابت‌های جهانی عقب نمی‌افتد، بلکه با مخاطرات زیادی نیز روبه‌رو می‌شود و بهای سنگینی نیز خواهد پرداخت. تحقیر شدن، مورد تهدید و هجمه قرار گرفتن، وابستگی سرنوشت کشور به این و آن و تصمیمات دیگران، و از دست دادن ثروت‌های ملی، از جمله‌ی تبعات ضعیف بودن است.

بر همین اساس، رهبر انقلاب تأکید دارند: «اگر این استحکام وجود داشته باشد، "قدرت ملی" و "قوت ملی" تحقق پیدا خواهد کرد؛ قدرت ملی و قوت ملی. و قدرت ملی برای یک ملت حیاتی است؛ یعنی یک ملت اگر چنانچه بخواهد مستقل باشد، سرفراز باشد، از منابع حیاتی خودش به میل خودش و به سود خودش استفاده کند، رأی خودش را در مسائل اساسی خودش به کار ببندد و مجبور به پیروی از رأی این و آن نباشد، نگران طمع‌ورزی بیگانگان نباشد، همیشه در ترس و لرز زندگی نکند، اگر این چیزها را یک ملتی بخواهد، باید چه کار کند؟ باید قوی باشد. قدرت ملی و قوت ملی حیاتی است برای یک ملت. اگر چنانچه قدرت ملی نبود و ملتی قوی نبود، این چیزهایی که عرض کردیم که اینها اساسی‌ترین و مهم‌ترین مسائل یک ملت است، برایش تحقق پیدا نخواهد کرد؛ همیشه نگران، همیشه در حال ضعف و ذلت، بیگانگان مسلط [بر او] و امثال اینها. خب پس بنابراین، استحکام نظام لازم است؛ قدرت ملی و قوت ملی لازم است.» ۱۴۰۰/۱۲/۱۹

پایان سرمقاله

دوربین رسانه‌ها می‌گوید، واقعیتی است که تا پیش از این، پشت درهای بسته در جریان بود و از این منظر، اتفاق جدیدی رخ نداده است. نکته‌ی دیگر آنکه ترامپ یک استثنا در آمریکا نیست و فرهنگ استکباری و استعماری در این کشور و جامعه جا افتاده است؛ کمابینه که اکثریت آمریکایی‌ها از برخورد تحقیرآمیز او با زلنسکی اعلام حمایت کردند. اگر کسی تصوّر کند کمک‌های دولت بایدن به اوکراین بدون چشمداشت بوده و باروی کار آمدن ترامپ سیاست آمریکا تغییر کرده، سخت در اشتباه است؛ آنچه تغییر کرده بازنمایی ماجرا است. آمریکای بایدن خود را کدخدای جهان می‌داند که اوکراینی‌ها باید به نیابت از آن‌ها با روسیه بجنگند و در این راه قربانی شوند تا راهبردهای استراتژیک واشنگتن محقق شود و آمریکای ترامپ، کدخدایی است که فعلاً مصلحت را در غارت ثروت ملی اوکراین می‌بیند و در این مسیر، حاضر نیست حتی امنیت این کشور را هم تضمین کند! وقتی سخن از «استکبار» و «استعمار» می‌شود، موضوعی انتزاعی و ناشی از توهم نیست. وضعیت آسف بار و نامعلوم امروز اوکراین که بخشی از آن از دست رفته و آنچه مانده نیز باید به آمریکا اعطا شود، مثال عینی و بارز خوی استکباری و استعماری حاکم بر آمریکا است.

قوی باش!

و بالاخره عبرت و درس مهم و نهایی آنکه ماجرای اوکراین نشان می‌دهد این همه تأکید رهبر انقلاب بر لزوم قوی شدن کشور در تمام عرصه‌ها، ناشی از

ادامه از صفحه ۲

آن اشاره کردند: «مردم، مهم‌ترین پشتوانه‌ی دولتها هستند. اگر مردم در اوکراین وارد میدان میشدند، وضع دولت اوکراین و مردم اوکراین این جوری نمیشد. مردم وارد میدان نبودند، چون دولت را قبول نداشتند؛ عیناً مثل آن وقتی که آمریکا به عراق دوران صدام حمله کرد، مردم دفاع نکردند، کنار رفتند، آمریکا مسلط شد. اقا در همین عراق، وقتی که داعش حمله کرد، مردم وارد میدان شدند، توانستند داعش را که خطر بسیار بزرگی بود به عقب برانند، توانستند سرکوب بکنند. عامل اصلی استقلال کشورها مردمند؛ ما این را تجربه کردیم؛ در دوران دفاع مقدس، مردم وارد میدان شدند و با اینکه همه‌ی قدرتها از صدام حمایت میکردند، به او کمک میکردند، جمهوری اسلامی به کمک مردم توانست غلبه پیدا کند و دشمن را ناکام بگذارد. بنابراین، این هم عبرت دیگری است. امیدواریم که همه‌ی ما چشمه‌ایمان را باز کنیم، گوشه‌ایمان را باز کنیم، درست بیندیشیم، درست فکر کنیم، درست عمل بکنیم و بتوانیم از این عبرت‌های بزرگ بهره ببریم.» ۱۴۰۰/۱۲/۱۰

استکبار فقط به فکر منافع خود است

درس مهم دیگر ماجرای اخیر میان آمریکا و اوکراین روشن شدن ماهیت استکبار است. آمریکایی‌ها به صراحت از غارت ثروت ملی اوکراین می‌گویند و آن را حق خود می‌دانند! شاید برخی ادعا کنند این روّیه و برخورد، مختص دولت ترامپ است و او در این زمینه یک استثنا محسوب می‌شود؛ در پاسخ، باید گفت آنچه ترامپ آشکارا و مقابل

جایزه اسکار بهترین فیلمنامه اختصاص پیدا می‌کند به هنرمندان آمریکا

THE ART OF NEGOTIATION
BY USA

OSC

کارتون: مسعود شجاعی طباطبایی

قرآن متضمن چگونگی رفتار با قدرت مداران عالم است

حضرت آیت الله خامنه ای در محفل انس با قرآن در اولین روز از ماه مبارک رمضان ۱۴۴۶، قرآن را در عرصه ارتباطات با دیگر کشورها راهنمایی گویا و دقیق برای همه خوانند و افزودند: ملت ایران با دیگر ملت ها مشکلی ندارد اما امروز با جبهه وسیعی از قدرت مداران کافر با منافق مواجه است که قرآن کریم نحوه رفتار با آنها را در مراحل مختلف مشخص کرده است که چه زمانی باید با آنها حرف بزیم در چه مرحله ای همکاری کنیم، چه هنگام با مشیت به دهان آنها بگوییم و چه وقتی شمشیر بکشیم.

به صرف کتاب

داستان آمریکا، یک «جامعه انحطاط زده»

انتشارات سروش

نویسنده: روسی دواتا

۳۳۲



کتاب «جامعه ای انحطاط زده» در سال ۲۰۲۰ توسط راس دواتا از نویسندگان نیویورک تایمز نوشته شده است. تواتات به بررسی وضعیت کنونی جامعه آمریکا و دلایل افول آن می پردازد. دواتا در این کتاب به چگونگی تضعیف شدن فرهنگ و به زوال رفتن جامعه و سیاست ناکارآمد پرداخته و نشان می دهد که چگونه این مشکلات به انحطاط جامعه منجر شده اند.

این کتاب به این موضوع می پردازد که چگونه کاهش اعتماد عمومی به نهادهای دولتی، رسانه ها و سیستم های دموکراتیک از یک سو موجب نارضایتی عمومی و بی اعتمادی مردم جامعه آمریکا شده است و از سوی دیگر افزایش تفاوت های اقتصادی بین طبقات مختلف جامعه آمریکا باعث نابرابری ها بر پایداری اجتماعی و سیاسی در این کشور شده است. همزمان با این دو ضعف نهادهای دموکراتیک که زمانی قوی و کارآمد بودند، اکنون با چالش ها و مشکلات مختلفی روبروست.

دواتا با استفاده از تحلیل های دقیق و مستند، تصویری جامع از وضعیت کنونی جامعه آمریکا ارائه می دهد و به بررسی عواملی که به انحطاط این جامعه منجر شده اند می پردازد. این کتاب که مورد توجه علاقه مندان به علوم اجتماعی و سیاسی قرار گرفته، درک عمیق تری از مشکلات و چالش های جامعه آمریکا را برای خواننده به ارمغان می آورد.

ءَاشْفَقْتُمْ أَن تَقْدَمُوا بَيْنَ يَدَي نَجْوَتِكُمْ صَدَقْتِ فَإِذ لَمْ تَفْعَلُوا وَ تَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَءَاتُوا الزَّكَاةَ وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ | سوره مجادله، آیه ۱۳

ارزش انسان در نزدیکی با خداوند است نه صاحبان مقام و قدرت

گاهی میشود که اخلاق طاغوتی و سنن طاغوتی و سنن جاهلی در جامعه میماند... خیال میکنند برای اینکه برای خودشان شخصیتی درست کنند، فوری یک آدمی را که در جامعه شخصیتی مثلاً دارد، یک اسم و رسمی دارد، یک عنوانی دارد، این را پیدا کنند و درگوشش حرف بزنند، با او جلوی جمعیت نجوا کنند، با او با خصوصیت بیشتری در جمع صحبت بکنند. اینها برای چیست؟ برای اینکه خودش را در نظر دیگران و جبهه بدهد. خب این عمل یک عمل جاهلی است، وجهی انسان به قرب و بُعد با صاحب مقامان نیست؛ وجهی واقعی انسان به قرب و بُعد با کیست؟ با خدا است. ۱۳۴۱/۳/۲۰ | بیانات حضرت آیت الله خامنه ای در جلسه تفسیر سوره مجادله

حدیث زندگی

به بیگانگان نمیشود اعتماد کرد

ما باید به خودمان اتکاء کنیم؛ به دیگران نمیشود اتکاء کرد، به بیگانگان نمیشود اتکاء کرد، نمیشود اعتماد کرد. من مکرر در دوران همین مذاکرات هسته ای - شاید چهار پنج مرتبه یا بیشتر - گفتم به آمریکایی ها نمیشود اعتماد کرد... ما باید به خودمان اعتماد کنیم، به خودمان تکیه کنیم و بدانیم میتوانیم و بدانیم که خدای متعال هم کمک میکند. امیرالمؤمنین میفرماید: قَلَّمَا رَأَى اللَّهُ صِدْقَنَا أَنْزَلَ عَلَيْنَا النَّصْرَ وَأَنْزَلَ بَعْدُ وَتَا الْكَيْتِ؛^(۱) وقتی ما صادقانه وارد میدان میشویم و حرکت میکنیم، خدای متعال نصرت را به ما قطعاً خواهد داد. ۱۳۹۵/۰۱/۱۸ | نهج البلاغه، خطبه ۵۶

کلام امام، نقشه راه انقلاب

آقای کارتر! جواب مملکت هایی که به ویرانی کشیدید را چه بدهیم؟



آقای کارتر تفصّل فرمودند که دو نفر بفرستند با ما صحبت بکنند. ما چه صحبتی با شما بکنیم؟ جواب این زنهایی که بیجه هاشان را از دست دادند، پدرهایی که جوانهاشان را از دست دادند، آنهایی که در این طول زمان از آمریکا ضربه خوردند، ممالکی که ضربه خوردند این قدر، ما جواب اینها را چه بدهیم؟ ما جواب این مملکتهای کثیری که با امر آمریکا، با توطئه آمریکا، آنها را به نابودی کشیدند، و جداناً جواب آنها را چه بدهیم؟ بنشینیم با کی صحبت کنیم؟ رد کردیم این را که نه. نه ما یک همچو حقی داریم، نه دیگران یک همچو حقی دارند. ما تابع ملت هستیم، ما خدمتگزار ملت هستیم، ما باید روی مسیر ملت سیر بکنیم... ما با اینها چه صحبت بکنیم؟ آنها که شبکه جاسوسی در اینجا درست کردند، توطئه درست کردند، کردستان و امثال اینها را، اینها نقشه می کشند و راه می دهند. ما با اینها بنشینیم صحبت بکنیم! چه صحبتی بکنیم؟ ۱۳۵۸/۸/۱۷ | حضرت امام خمینی

خطبه های انقلاب

فریب لبخند و وعده های دروغ دشمن را نخوریم

فریب لبخند دشمن را، فریب وعده های دروغ دشمن را نخوریم. جبهه ای قدرت مادی که امروز بر دنیا مسلط است، راحت عهد میشکند. بدون هیچ دغدغه ای عهدشکنی میکنند، زیر قولشان میزنند، زیر حرفشان میزنند، نه از خدا خجالت میکشند، نه از خلق خجالت میکشند، نه از طرف مذاکره خجالت میکشند؛ راحت دروغ میگویند! من نمونه های زنده دارم، همین اظهاراتی که آمریکا آنها کردند، رئیس جمهور آمریکا کرد؛ نامه ای که به ما نوشت، جوابی که ما دادیم؛ بعد عکس العمل و اقدامی که آنها با مضمون آن نامه ها کردند. اینها یک روزی در اختیار افکار عمومی دنیا قرار خواهد گرفت؛ خواهند دید که اینها چه جوری اند، حرفشان چقدر اهمیت و ارزش دارد، وعده شان چقدر ارزش دارد. ۱۳۹۰/۱۱/۱۴ | بیانات در خطبه های نماز جمعه

منشور معنوی انقلاب

فرازی از وصیت نامه سردار شهید «نادر مهدوی»

آمریکارادشمن واقعی خود میدانیم



۱۳۴۶/۰۷/۱۶

حوالی جزیره فارسی

گزارشدهای

روستای بجزیری، استان بوشهر

امروز، دشمنان قسم خورده ما، فرزندان «معاویه بن ابی سفیان» و عمرو عاص ها، به طور مصمم، عزم نابودی قرآن کریم دارند و راه «یزید بن معاویه» را دنبال می کنند. امروز دشمن ما صدام نیست؛ امروز دشمن ما حزب بعث نیست؛ اینها عروسک های کوکی استکبارند و ما دشمن واقعی خود را استکبار جهانی، به سرکردگی آمریکا می دانیم. شرق و غرب، گذشته از اختلافات درونی خود، متحدانه موضعی خصمانه در برابر اسلام گرفته اند. بدانید که امروز، شرافت و عزت، در سایه جهاد و ایثار و شمشیر است. بکشید دشمنان اسلام و دین خدا را؛ تا فکر تجاوز و غارت را در سر نپروراند.